

بنام آنکه جان را فکرت آموخت

متن وترجمه عربی دهم تجربی وریاضی- تهیه و تنظیم: سیدعزت عمید

الَّذِينَ الْأُولَى (درس اول)

ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ او همان خداست.

أَنْظُرُ لِنَيْلِكَ الشَّجَرَةَ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِيرَةَ

به آن درخت دارای شاخه های تر و تازه نگاه کن .

كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه ازدانه ای رشد کرد و چگونه درختی شد ؟

فَأَبْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

پس جستجو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می آورد (پدید می آورد)؟

وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْنَهَا مُسْتَعْرَةَ

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است نگاه کن.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

نور و روشنی در آن است و به وسیله آن ، گرما و حرارت پراکنده است.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا مانند اخگر و پاره آتش پدید آورده است؟

ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَهُ

او همان خداوندی است که نعمتهایش ریزان و روان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَمَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَهُ

دارای حکمت و تدبیری کامل و نیروی توانمند است.

أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب نگاه کن پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورد ؟

وَ زَانَهُ بِالنَّجْمِ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ

و آن (شب) را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد؟

وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را نازل کرد؟

الدَّرْسُ الثَّانِي (درس دوم)

أَمْوَاعُ الْعَدَدِيَّةِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) . بِنْدَهَا وَنَصَائِحِ شِمَارَشِيِّ (عَدَدِي) مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظَلَمَ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظَلَّمَ يَغْفِرُهُ، وَظَلَمَ لَا يَتْرُكُهُ . فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكُ . قَالَ اللَّهُ: (إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ)

ظلم سه (نوع) است : ظلمی که خدا آنرا نمی بخشد ، و ظلمی که آنرا می بخشد و ظلمی که آن را ترک نمی کند . و اما ظلمی که خداوند آنرا نمی بخشد ، شرک است . خداوند فرمود : (قطعاً شرک ظلم بزرگی است)

وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظَلَمَ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ، فَظَلَمَ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.

و اما ظلمی که خداوند آنرا می بخشد ، ظلم بندگان بر خودشان نسبت به آنچه میان آنها و خدایشان است ، و اما ظلمی که خداوند آنرا ترک نمی کند ، ظلم بندگان به یکدیگر است .

سَبَّحَ بِجُرِّيِّ اللَّعْبِيدِ أُجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ : مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بِنْرًا، أَوْ عَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَعْرِضُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

هفت (چیز) بعد از آنکه انسان در قبرش باشد ثوابش برای او جاری می گردد : کسی که دانشی را (به دیگران) یاد داده است (آموخته است) . آب نهری را جاری ساخته است . چاهی را کنده است یا نخلی را کاشته است یا مسجدی را ساخته است یا مصحفی (قرآن مکتوب) را به ارث گذاشته است یا فرزندی را به جای گذاشته است که بعد از مرگش برایش طلب آمرزش می کند .

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِنْهُ جُزْءًا، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخُمُ الْخَلْقُ.

خداوند برای رحمت صد جزء قرار داد و ۹۹ جزء را نزد خود نگاهداشت و یک جزء به زمین فروفرستاد و از آن یک جزء بشر به همدیگر رحم می کنند .

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ، كُلُّوْا جَمِيعًا وَ لَا تَفْرَقُوا، فَإِنَّ الْبِرْكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

براستی یک غذا برای دو نفر کافی می باشد و دو غذا برای سه و چهار نفر کافی می باشد ، همگی بخورید و پراکنده نشوید ، و مسلماً برکت همراه با جماعت است .

إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.

دو بهتر از یک است و سه بهتر از دو است و چهار بهتر از سه است ؛ و شما با جماعت باشید .

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِغُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

هرکس چهل صبح برای خدا إخلاص ورزد ، سرچشمه های حکمت و دانش از قلبش بر زبانش جاری گردد .

أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَ الْوَجَعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ.

چهار (چیز) اندکش زیاد است : تنگدستی و درد و دشمنی (کینه ورزی) و آتش (جهنم)

الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْإِحْلَالِ . عِبَادَتِ دَهْ جُزْءٍ اسْتِ كَهْ نُهْ (۹) جُزْءٍ دَرِ طَلَبِ (رُوزِي) حَلَالِ اسْتِ .

اِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا . هِرْكَاهُ دُو (نَفْر) بَا هَمْ رَا زِ مِي كُوْبِنْدِ (دَرِ كُوشِي نَجْوَا مِي كِنْتِنْد) ، مِيَا نِ آن دُو وَارِدِ نَشُو .

الدَّرْسُ الثَّالِثُ (درس سوم)

مَطَرُ السَّمَكِ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَنْسَاقُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آیا باور می کنی که روزی از روزها ماهی ها را ببینی که از آسمان می افتند؟

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَالتَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ مسلماً بارش باران و برف از آسمان یک چیز طبیعی است.

وَلَكِنْ أَيْمُنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فُلْمًا خَيَالِيًّا؟! و اما آیا امکان دارد که باران ماهی را ببینیم؟ آیا گمان می کنی که آن باران حقیقی باشد. و فیلمی خیالی نیست.

و اما آیا امکان دارد که باران ماهی را ببینیم؟ آیا گمان می کنی که آن باران حقیقی باشد. و فیلمی خیالی نیست.

حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. خوب پس به این تصاویر نگاه کن تا باور کنی.

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ (مَطَرَ السَّمَكِ)

به دقت نگاه کن. توفاتادن ماهی ها را از آسمان می بینی ، مثل اینکه آسمان ماهی ها می بارد. مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می نامند .

خَيْرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَخْذُثُ (مَطَرُ السَّمَكِ) سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهُندُوراس فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.

این پدیده مردم را سالهای طولانی شگفت زده کرده و برای آن جوابی نیافتند باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی اتفاق می افتد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَلْحِظُ النَّاسُ عُيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ.

این پدیده گاهی دوبار در سال اتفاق می افتد. و مردم به مدت دوساعت یا بیشتر تکه ابر سیاه بزرگی ورعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را ملاحظه می کنند.

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لَطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا. حَاوِلُ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛

سپس زمین با ماهیها پوشیده می شود، و مردم آنها را برای پختن و خوردنش می برند. دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده ی عجیب تلاش کردند.

فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِمَزَارَةِ الْمَكَانِ وَالتَّعَرُّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَنْسَاقُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،

و گروهی را برای دیدن محل و شناختن ماهی هایی که بعد از این بارانهای شدید بر زمین می افتند فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمِ وَاحِدٍ وَ نَوْعِ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ

و آنها دریافتند که همه ماهی ها ی پراکنده شده در زمین به یک نوع و اندازه هستند و اما شگفتی کار آن است که ماهی ها متعلق به آبهای مجاور نیستند.

بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْغُدُ مَسَافَةً مَائَتِي كِيلُومِتْرٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ .

بلکه متعلق به آبهای اقیانوس اطلس هستند که به فاصله ی دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی ها دور هستند.

مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟ علت شکل گیری این پدیده چیست؟

يَخْذُثُ إِغْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَنْسَاقُ عَلَى الْأَرْضِ.

گردباد شدیدی اتفاق می افتد ماهی ها را با قدرت به آسمان می کشد و آنها را به محلی دور می کشانند و وقتی سرعتش را از دست می دهد ماهیها بر روی زمین می افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُوراسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمَّوْنَهُ (مَهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكَ) . فَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ .
(الْبَقَرَةُ ٢٢)

مردم هندوراس سالانه این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره ی باران ماهی می نامند » و (خداوند) از آسمان آبی را فرو فرستاد و به وسیله ی آن از میوه ها رزق و روزی را برای شما خارج کرد.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ (درس چهارم)

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةٌ الْأِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أُسَاسِ الْمُنْطَقِ وَ اجْتِنَابِ الْأِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

قطعا پیام اسلام درگذر زمانها بر اساس منطق و دوری از هر بدی استوار بوده است. و براستی خداوند می فرماید.

(وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ) فَصَلَّتْ : ٣٤

خوبی و بدی یکسان نمی باشد تو آن را با بهترین روش دفع کن پس آنگاه (می بینی) کسی که بین تو و او دشمنی هست گویی یک دوست گرم و صمیمی است .

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُؤُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ

همانا قرآن به مسلمانان امر می کند که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ: وَلَا تَسْبُؤُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُؤُوا اللَّهَ... الْأَنْعَامِ ١٠٨

و آن (قرآن) می فرماید: کسانی را که به غیر می خوانند (دعوت می کنند) دشنام ندهید در نتیجه آنها (کافران به نادانی) خدا را دشنام می دهند.

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْأَلَهِيَّةَ؛ (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا) آلِ عِمْرَانَ ٦٤

اسلام ادیان الهی را محترم می شمارد، (ای پیامبر) بگوای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیانیاداز کلمه ای که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم فقط خدا را عبادت کنیم و چیزی را برای او شریک قرار ندهیم.

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ... الْبَقَرَةُ ٢٥٦

قرآن بر آزادی عقیده تاکید می کند. هیچ اجباری در دین نیست.

لَا يَجُوزُ الْأَصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْغُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ اخْتِفَافٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ (كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ) الرُّومِ : ٣٢

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی را جایز نمی داند، به خاطر اینکه کسی از آن سود نمی برد، بر همه مردم واجب است که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز کنند. به خاطر اینکه هر حزب و گروهی به آنچه نزد خود دارند خوشحالند.

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.

کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت‌های متعدد هستند. در زبان‌های خود و رنگ‌هایشان متفاوت می باشند .

قال الله تعالى: خداوند بزرگ می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) الْأَخْبَرَات ١٣

ای مردم ما شما را از یک مرد وزن آفریدیم و شما را ملتها و قبيله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید قطعا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما ست.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وبيامير خدا (ص) فرموده است

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى) (

ای مردم بدانید که خدای شما یکی است و پدرتان یکی است قطعا نه هیچ عربی بر غیر عرب برتری دارد و نه هیچ غیر عربی بر عرب نه هیچ سیاهی بر سرخ و نه هیچ سرخی بر سیاه مگر با تقوی و پرهیز گاری.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...) آل عمران ١٠٣

قران ما را به وحدت و یکپارچگی دعوت می کند . و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْأِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.

یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی جلوه گر می شود. از جمله جمع شدن مسلمانان در یک محل در حج .

الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مَسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

یک پنجم ساکنان جهان مسلمانان هستند در پهنای گسترده ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند.

قَالَ الْأَمَامُ الْخَمِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ...: إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يَفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی که خدا رحمتش کند فرمود: هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد. پس بدانید که وی نادان است یا دانایی است که برای گسترش اختلاف در بین صفوف مسلمانان تلاش می کند.

وَ قَالَ قَانِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيَّ: وَرَهْرِمَانِ آيَةُ اللَّهِ خَامِنَهُ أَي فَرَمُودُنَا:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفَرُّقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

هر کس از شما شخصی را ببیند که به تفرقه دعوت می کند پس وی مزدور دشمن است.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ (درس پنجم)

(هَذَا خَلَقَ اللَّهُ لِقَمَانِ ١١) * (این خلقت خداوند است) *

الْقَوَاصِدُ الَّذِينَ دَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَانِيَّةِ ذَاتِ أَلْوَانٍ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ،

غواص هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند ، صدها چراغ برقی با رنگ های مختلف (رنگارنگ) را مشاهده کردند که نورشان از ماهی های نورانی فرستاده می شود .

وَ تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْقَوَاصِدُ التَّقَاطُفَ صُورِ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.

و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می کند که غواص ها در آن می توانند در نور این ماهی ها عکس بگیرند.

اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ غَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ.

دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می شود که زیر چشمان آن ماهی ها زندگی می کند .

هل يمكن أن يستفيد البشر يوماً من تلك المعجزة البحرية، ويستعين بالبكتيريا المضيئة لإنارة المُن؟

آیا امکان دارد که بشر روزی از این معجزه ی دریایی استفاده کند. و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد.

رُبَمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ (مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ وَجَدَ)

چه بسا بتواند، زیرا " هر کس چیزی را خواست (بخواهد) و تلاش کرد، یافت . (زیرا " هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می یابد .)

إِنَّ لِسَانَ الْقَطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدِّ نَفْرُزٍ سَالِباً مُطَهَّراً، فَيَلْعَقُ الْقَطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ.

قطعاً زبان گربه سلاح دائمی است؛ زیرا آن پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می کند، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می لیسد تا زخمش بهبود یابد .

إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَالْخَيَوانَاتِ تُعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا الْأَعشَابَ الطَّبِئِيَّةَ وَتَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَقَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْخَيَوانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِئِيَّةِ كَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَغَيْرِهَا.

قطعاً بعضی از پرند ها و حیوانات بنا به طبیعتشان گیاهان دارویی را می شناسند . و می دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری های مختلف بکار گیرند ؛ و این حیوانات انسان را به خواص درمانی بسیاری از گیاهان صحرائی و مانند آن راهنمایی کرده اند .

إِنَّ أَغْلَبَ الْخَيَوانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا،

قطعاً اغلب حیوانات علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود؛ زبان عمومی دیگری دارند که به واسطه آن می توانند با همدیگر به تفاهم برسند،

فَلِإِغْرَابِ صَوْتٍ يُحْدِثُ بِهِ بَقِيَّةَ الْخَيَوانَاتِ حَتَّى تَتَبَعَهُ سَرِيعاً عَنْ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَواسِيسِ الْغَايَةِ.

پس کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به سایر حیوانات هشدار می دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند . پس آن مانند جاسوسی از جاسوس های جنگل است .

لِلبُطِّ خَزَانَاتٌ طَبِئِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أَدْنَابِهَا تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.

اردک نزدیک دم هایش انبارهای طبیعی دارد که روغن خاصی را در بر دارد که بر بدنهایشان (اجسامشان) پخش می شود پس تحت تأثیر آب قرار نمی گیرد .

تَسْتَطِيعُ الْحَرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آفتاب پرست می تواند چشمانش را به جهت های مختلف بچرخاند بدون آنکه سرش را حرکت دهد و آن می تواند همزمان دوطرف را ببیند.

لَا تَحْرَكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النُّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَتَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.

چشم جغد حرکت نمی کند، و آن ثابت است، اما او این نقص را با حرکت دادن سرش به هر جهتی جبران می کند و می تواند که سرش را کاملاً بچرخاند بدون این که جسمش را حرکت دهد .

الدَّرْسُ السَّادِسُ (درس ششم)

ذوالقرنین (ذوالقرنین)

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحَدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعِظْمَةَ؛

در زمان قدیم پادشاه عادل و یکتاپرستی بود که ذوالقرنین نامیده می شد و خداوند به او قدرت و شکوه عطا کرده بود،

كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ شَمَالًا.

ذوالقرنین بر مناطق وسیعی از زمین، شرق و غرب و شمال حکومت می کرد.

ذَكَرَ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةَ بَعْدَ آيَاتِ فِي الْقُرْآنِ. نام و کارهای شایسته اش در تعدادی از آیات قرآن بیان شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَّتْ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفُسَادِ.

وقتی شرایط برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با سپاهیان و لشکر باشکوهش به سمت مناطق غربی زمین حرکت کرد در حالی که مردم را به سوی یکتاپرستی و مبارزه با ظلم و فساد فرامی خواند.

فَكَانَ النَّاسُ يُرْحَبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقٍ فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيهَةٍ.

مردم در مسیر حرکتش به علت عدالتش به او خوشامد می گفتند و از او می خواستند که حکمرانی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن مرداب هایی بود که آب هایش دارای بویی ناپسند بودند (آبهایش بوی بدی داشت)

وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ .

و نزدیک این باتلاق هامردمی را یافت (دید) که برخی از آنان تبهکار و فاسد و برخی درستکار بودند.

فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَ خَيْرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَ هِدَايَتِهِمْ.

پس خداوند در مورد آنها او را مورد خطاب قرار داد و به او در جنگ با مشرکان فاسد از آنها یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد.

فَأَخْتَارَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعْوَتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ.

ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها را به یکتاپرستی و ایمان به خداوند برگزید.

فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَّرَ شُؤْنَهُمْ.

پس با عدالت بر آنها حکومت کرد و فاسدین آنها را اصلاح کرد و کارهایشان را اداره کرد.

ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ، فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَ هَيْبَتِهِ،

سپس با سپاهیان به سمت شرق حرکت کرد. و بسیاری از امت ها از او اطاعت کردند و بخاطر عدالت و شکوهش از او استقبال کردند

حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عَيْشَةً بَدَانِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاتَهُمْ وَ عَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ.

تا اینکه به قومی غیر متمدن رسید که کاملاً بدوی و ابتدایی زندگی می کردند، پس آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکمرانی کرد تا اینکه آنها را به راه راست هدایت کرد و زندگی آنها را اصلاح کرد و به آنها یاد داد که چگونه زندگی کنند.

وَبَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ،
وبعد از آن به سمت شمال حرکت کرد، تا اینکه به قومی رسید که نزدیک تنگه ای بین دو کوه بلند زندگی می کردند،
فَرَأَى هَوْلًا لِقَوْمٍ عَظَمَةَ جَيْشِهِ وَ أَعْمَالَ الصَّالِحَةِ فَاعْتَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛
و این قوم عظمت سپاه وی و کارهای شایسته اش را دیدند و از (لحظه) رسیدن وی فرصت را غنیمت شمردند،
لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛
زیرا از دو قبیله ی وحشی که پشت آن کوهها زندگی می کردند در رنج و عذاب شدیدی بودند.
فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيْنِ وَالْآخِرِ مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛
سپس به او گفتند: مردان این دو قبیله فاسد هستند هر از گاهی از این تنگه به ما حمله می کنند،
فَيَخْرَبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ.
و خانه های ما را خراب می کنند و اموال ما را غارت می کنند، و این دو قبیله همان «یاجوج و ماجوج» هستند.
لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍّ عَظِيمٍ،
به همین دلیل از او کمک خواستند و به او گفتند: از تومی خواهیم که این تنگه را با سد بزرگی ببندی،
حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا؛
تا دشمن نتواند از آنجا به ما حمله کند و ما در این کارت به تو کمک می کنیم،
بَعْدَ ذَلِكَ جَاوَأُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَا الْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ،
بعد از آن با هدایای زیادی نزد او آمدند، و ذوالقرنین آنها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند بهتر از بخشش غیر اوست،
وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.
و از شمامی خواهم که در ساختن این سد به من کمک کنید. مردم بخاطر آن خیلی خوشحال شدند.
أَمَرَهُمْ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ،
ذَوَا الْقَرْنَيْنِ بِهِ أَنَّهُا دَسْتُورِدَادُ كِهْ آهَنْ وَ مَسْ بِيَاوَرَنْدُ،
فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ،
سپس آن (مس) را در آن تنگه قرار داد و آتش را روشن کردند تا اینکه مس ذوب شد و در میان آهن وارد شد،
فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ.
و سد محکمی مقابل این دو قبیله شد، پس مردم از فرمانروای درستکار بخاطر این کارش تشکر کردند، و از دو قبیله یاجوج و ماجوج
رهایی یافتند.
وَ شَكَرَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فَتْوَحَاتِهِ.
و ذوالقرنین از پروردگارش بخاطر موفقیت او در پیروزی هایش سپاسگزاری کرد.
نَفَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.
از این داستان می فهمیم که حاکمان شایسته ی عادل، نزد خدا و مردم محبوب هستند.

الدَّرْسُ السَّابِعُ (درس هفتم)

يا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَابُهُ أَي آنکه شگفتی هایش در دریاهاست.

مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ از دعای جوشن کبیر

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأَسْرَةِ فَلَمَّا رَأَيْعَا عَنِ الدَّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

اعضای خانواده فیلم جالبی از دلفین می بینند که انسانی را از غرق شدن نجات داده و او را به ساحل رسانده است.

حامدٌ : لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا. حامد: باور نمی کنم، این کار شگفت انگیزی است. خیلی مرا متحیر می کند.

الأبُ : يَا وَدَي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدَّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

پدر: ای فرزندم (پسر) عجیب نیست، زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست.

صَادِقٌ : تَصَدِّقُهُ صَعَبٌ يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ. صادق: باورش سخت است؟! ای پدرم، ما را با این دوست آشناگردان.

الأبُ : لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ،

پدر: او حافظه ای قوی دارد، و شنوائیش ده برابر برتر از شنوائی انسان می باشد.

وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا، وَ هُوَ مِنَ الْخَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.

و وزن او حدوداً به دو برابر وزن انسان می رسد، و آن از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش شیر می دهد.

نورا : إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُجِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

نورا: آن حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست؟

الأبُ : نَعَمْ؛ بِالنَّكَيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلْفِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

پدر: بله، قطعاً، دلفین ها می توانند که ما را به محل سقوط هواپیمایی یا مکان غرق شدن یک کشتی هدایت کنند.

الأُمُّ : تُؤَدِّي الدَّلْفِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ،

مادر: دلفین ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کنند، و آنچه را از شگفتی ها و اسرار زیر آب هست کشف می کنند. (شگفتی ها و اسرار زیر آب را کشف می کنند).

وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ. وَ بَهِ انْسَانِ دَر كَشْفِ مَحَلِّ هَاي تَجَمُّعِ مَا هِيهَا كَمَكِّ مِي كَنَنْد.

صَادِقٌ : رَأَيْتُ الدَّلْفِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟

صادق: دلفین ها را دیدم که حرکات گروهی انجام می دادند؛ آیا باهم صحبت می کنند؟

الأُمُّ : نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُوكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ،

مادر: بله؛ در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تاکید می کنند که آنها می توانند با بکارگیری صداهای مشخص صحبت کنند،

وَ أَنَّهَا تُغَنِّي كَالطُّيُورِ، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

و اینکه مانند پرندگان آواز می خوانند، و همچون بچه ها گریه می کنند، و مثل انسان سوت می زنند و می خندند.

نورا : هَلْ لِلدَّلْفِينِ أَعْدَاءٌ؟ نورا: آیا دلفین ها دشمنانی دارند؟

أَبُ : بِالتَّكْثِيرِ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْقَرْشِ عَدَوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْقَرْشِ،

پدر: قطعاً، دلفین ها کوسه ماهی را برای خود یک دشمن به حساب می آورند، و هنگامی که نگاهشان به کوسه ماهی بیافتد،
تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَثْوَفِهَا الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.

به سرعت اطرافش جمع می شوند، و بابینی های تیزشان آنها را می زنند و آنها را می کشند.

نورا : وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟ نورا: و آیا درحقیقت دلفین انسان را دوست دارد؟

أَبُ : نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرْنِتِ ... سَحَبَ تَيَّارَ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ،

پدر: بله، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم... جریان آب مردی را به شدت به اعماق (دریا) کشید،

وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ

و مرد بعد از نجاتش گفت: ناگهان چیزی مرا با قدرت به سمت بالا برد، سپس مرا به ساحل کشاند

وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلِكِنِّي رَأَيْتُ دَلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفُزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

و هنگامی که تصمیم گرفتم از نجات دهنده ام تشکر کنم، کسی را نیافتم، اما دلفین بزرگی را دیدم که کنارم در آب با خوشحالی
می پرید.

الْأُمُّ : إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

مادر: براستی دریا و ماهیها نعمت بزرگی از جانب خداوند هستند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَسُولُ خِذَا (ص) فَرَمُود:

النَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ: نَظْرٌ فِي تِلْكَ الْأَشْيَاءِ عِبَادَةٌ: نگاه کردن بر سه چیز عبادت است:

النَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ، نَظْرٌ فِي الْقُرْآنِ

وَ النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَ نَظْرٌ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَ نَظْرٌ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَ نَظْرٌ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،

وَ النَّظْرُ فِي الْبَحْرِ. وَ نَظْرٌ فِي الْبَحْرِ. وَ نَظْرٌ فِي الْبَحْرِ. وَ نَظْرٌ فِي الْبَحْرِ.

الدَّرْسُ الثَّامِنُ (درس هشتم)

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ صِنَعَتُ تَلْمِيعِ دَرَادِبِيَّاتِ فَارِسِيَّ

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيِّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَاتًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ؛

قطعاً زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست و بسیاری از شاعران ایرانی از آن استفاده کرده اند و برخی از آنها ابیاتی را
آمیخته به عربی و فارسی سروده اند و آن را مُلَمَّع نامیده اند؛

لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٍ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشَّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشَّيرَازِيِّ وَ جَلَالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

بسیاری از شاعران ایرانی مُلَمَّعاتی دارند از جمله: حافظ شیرازی و سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی.

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشَّيرَازِيِّ لِلسَّانِ الغَيْبِ (مُلَمَّعُ لِسَانِ الغَيْبِ حَافِظِ شِيرَازِي)

- از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ القِيَامَهُ
- نامه ای با دل خونین برای محبوبم نوشتم "که من روزگار را در دوری تو مانند قیامت دیدم"
لَيْسَتْ دُمُوغٌ عَيْنِي هُذِي لَنَا العَلَامَهُ؟
- دارم من از فراقش در دیده صد علامت
مِنِ اذْوَاعِ او صَدَاهَا نَشَانَهُ دَرِچَشْمِ دَارِمُ ، " اَيَا اشْكَ هَايِ اَيْنِ دَوِجَشْمِ مِنْ ، نَشَانَهُ وَ عِلَامَتِ بَرَايْمَانِ نَيْسَتْ ؟ "
- هر چند کازمودم از وی نبود سودم
مَنْ جَرَّبَ المُجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَهُ
- هر چه که تجربه کردم ، از جانب او فایده ای به من نرسید " هر کس آزموده را بیازماید ، پشیمانی نصیبش می شود "
فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَهُ
- پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا
از طیبی درباره احوال محبوبم سوال کردم ، گفت : " در دوری و هجرانش رنج و عذاب و در نزدیکی اش سلامتی و آسایش است "
- گفتم ملامت آید گر دوست گردم
وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَةٍ
- گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می شوم "به خدا سوگند که ما عشقی را بدون ملامت و سرزنش ندیدیم"
حَافِظُ چَوِ طَالِبِ اَمَدِ جَامِي بِهِ جَانِ شِيرِينِ
- حافظ درازاء دادن جان شیرین خواستار جامی شده است ، " تا از آن (دادن جان) ، جامی از کرامت عشق بچشد "
مُلَمَّعُ سَعْدِيِّ الشَّيرَازِيِّ (مُلَمَّعُ سَعْدِي شِيرَازِي)
- سَلِّ اَلْمَصَانِعَ رَغْبًا تَهِيْمُ فِي اَنْفِلَوَاتِ
تُو قَدْرِ اَبِ چِه دَانِي كِه دَر كِنَارِ فُرَاتِي
- از آب انبارها درباره سوارانی که در بیابان ها تشنه اند پرس . تو قدر و ارزش آب را چه می دانی ، وقتی در کنار فرات هستی
شَبْمِ بِه رُويِ تُو رُوِزَسْتِ وَ دِيْدَه اَم بِه تُو رُوِشِنِ
- شبم با دیدن روی تو مثل روزاست و چشمم با دیدن روی تو روشن می شود. " و اگر مرا ترک کنی ، شب و روزم مساوی است "
وَ اِنْ هَجَرْتِ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ عُدَاتِي
- اگر چه دیر بمانم امید بر نگرتم
مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ اِنَّكَ اَتِي
- گرچه مدت زیادی انتظار کشیدم ، اما امیدم را از دست ندادم ، " زمان گذشت و دلم می گوید که تو می آیی "
مِنِ اَدْمِي بِه جِمَالَتِ نِه دِيْدِمُ وَ نِه شَنِيدِمُ
- من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
اگر گلی به حقیقت عجیب آب حیاتی
مِنِ اِنْسَانِي بِه زِيْبَايِي تُو نِه دِيْدَه اَم وَ نِه شَنِيدَه اَم ، اِگَر خَمِيْرُ اَفْرِيْنِشِ تُو اَز اَبِ وَ كِلِّ اَسْت ، حَقِيْقَتًا اَعْشَتَه بِه اَبِ زَنْدِگَانِي اَسْت .
- شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
وَ قَدْ تُفْتَشُ عَيْنُ الحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ
- شب های تاریک من به امید دیدن روی تو صبح می شود، " و گاهی چشمه حیات در تاریکی ها جستجو می شود "
فَكَمْ تَمَرَّرُ عِشْيِي وَ اَنْتَ حَامِلٌ شَهْدِ
- چقدر زندگی را تلخ می کنی در حالی که تو این همه شاهد و شیرینی داری ! از دهان شیرین تو جواب تلخ شنیدن زیباست !
جَوَابِ تَلْخِ بَدِيْعِ اَسْت اَز اَن دِهَانِ نَبَاتِي
- نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را
وَ جَدَّتْ رَانِحَةَ الوُدِّ اِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي
- عاشق روی تو بودن برای ما فقط این پنج روزه عمر دنیا نیست ، " اگر خاک قبرم را ببویی ، بوی عشق را می یابی "

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی

هرزیبا روی با نمکی را وصف کردم همانطور که دوست داری و می پسندی " ستایش های تو را چگونه بیان کنم که فراتر از وصف کردن هستی "

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَزْجُو وَ أَسْتَعِيْثُ وَ أَدْنُو

که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی

از تو می ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک می خواهم و به تو نزدیکی می جویم " که هم دامگه بلا هستی و هم کلید نجات و رهایی هستی "

ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن

أَجِبْتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ غَدَاتِي

به دلخواه و خواست دشمن ، از چشم دوست افتادم و بی ارزش شدم ، " دوستانم مرا ترك کردند همان طور که دشمنانم می خواهند "

فراقنامه سعدی عجب که در تو نگیرد

وَ إِنْ شَكُوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ

شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثر نمی کند! " و اگر به نزدیکان شکایت ببرم ، در لانه ها می گریند و ناله سر می دهند "

* موفق باشید- امید *

تابستان ۹۵